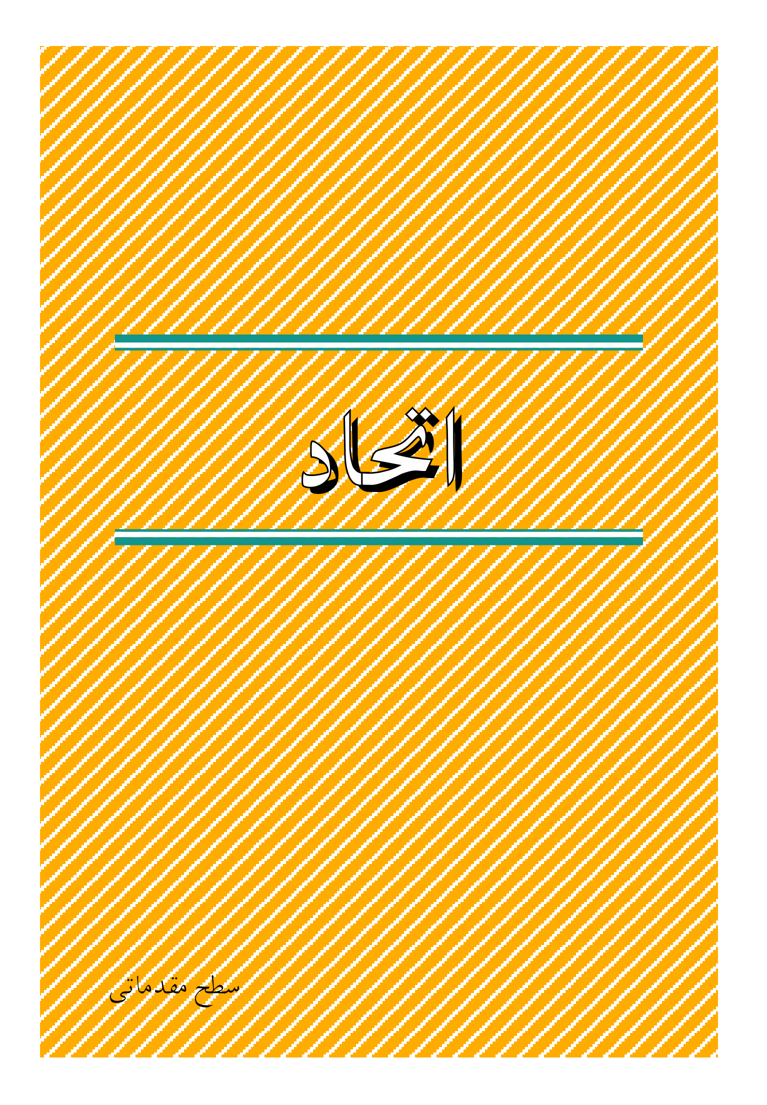

اتحاد
سطح مقدماتی


دیوار های جدایی به آسمان نمی رسند
WWW.IRANCATHOLIC.COM

فهرست

مقدمه:

«تا همهٔ آنان یکی باشند...»

(یوحنا ۱۷:۲۱)

برادر ایمانی، جزوه‌ای را که در دست دارید در ظاهر کوتاه و کم اهمیت می‌نماید اما برای ما مسیحیان بخاطر اوضاع کلیساهایمان در برابر کلام خدا اهمیت بسزائی دارد پس کوشش خواهیم کرد تا اهمیت موضوع اتحاد را به دقت روشن نمائیم.

نیایش مسیح = نیایش مسیحیان

مسیح یک روز قبل از اینکه جان خود را بر روی صلیب به پدر تسلیم کند و نجات تک تک ما و کلیساهای این کشور را به انجام رساند با پدر آسمانی خود چنین راز و نیاز کرد:

همانطور که تو مرا به جهان فرستادی
من نیز آنان را به جهان فرستادم
و اکنون بخاطر آنان خود را تقدیس می‌نمایم

تا آنان نیز با راستی تقدیس گردند.
فقط برای اینها دعا نمی‌کنم بلکه برای کسانی هم
که بوسیلهٔ پیام و شهادت آنان به من ایمان خواهند آورد،
تا همه آنان یکی باشند
آنچنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو
آنان نیز در ما یکی باشند
تا جهان ایمان بیاورد
که تو مرا فرستاده‌ای.
آن جلالی را که تو به من داده‌ای به آنان داده‌ام
تا آنها یکی باشند
آنچنانکه ما یکی هستیم،
من در آنان و تو در من
تا آنها بطور کامل یکی باشند
و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی
و آنها را مثل خود من دوست داری.

(یوحنا۱۷:۱۸-۲۳)

اگر برای مسیح اتحاد شاگردانش این قدر اهمیت داشته است، برای ما که ادعای مسیحی بودن داریم آیا جایگزینی صلح و صفا مابین کلیساها

و درنتیجه همکاری همهٔ فرزندان خدا در دعا برای اتحاد همین اهمیت را دارد؟ آیا همراه با تمام کلیساهای دنیا که در آستانهٔ عید ظهور مسیح هفتهٔ خاصی برای دعا جهت اتحاد کلیسا انتخاب کرده اند، ما نیز در دعا، کوشش و مبارزهٔ کافی داریم؟

امکان دارد که برخی امید چندانی برای کلیساهایمان نداشته باشند تا در این دعا واقعاً کوشش کنند و در این وسوسه بسر می برند که این اتحاد غیر ممکن بنظر می آید .

درواقع این افراد تا اندازه ای هم حق دارند : تعداد مسیحیان در ایران بسیار اندک است در حالیکه تعدد و تنوع کلیساهایشان بسیار زیاد می باشد . بعلاوه ، آن جدائی که بین کلیساهای ما از سال ۴۳۱ میلادی بوجود آمده در طول تاریخ گسترش بیشتری داشته است. چه بسا مسیحیان برخی کلیساها در تعلیماتی که دریافت می دارند می شنوند که مسئولان کلیسایشان بر ضد کلیساهای دیگر صحبت می کنند، رفتاری که طبق کتاب مقدس واقعاً وحشتناک است.

«تمام شریعت در یک حکم خلاصه می شود: همسایه ات را مانند خودت دوست بدار ، اما اگر با چنگ و دندان به جان هم بیفتید حتماً یکدیگر را نابود خواهید ساخت.» (غلاطیان۵:۱۴-۱۵)

همچنین امکان دارد که به این جدائیها عادت کرده باشیم و به نظر برخی زیاد خطرناک نباشد، زیرا که به قول خداوند ایمان داریم که به پطرس گفته بود: «*نیروهای مرگ هرگز بر کلیسا چیره نخواهد شد .*» (ر.ک متی۱۶:۱۸) . پس اطمینان داریم که در برابر اوضاع کلیساهایمان خطری متوجه ما نیست.

اما اگر مسیح قول داده کلیسای جهانی او هیچوقت از بین نخواهد رفت، آیا می توانیم نتیجه گیری کنیم که همهٔ کلیساهای محلی تا ابد خواهند ماند؟

در برابر تفکیکهای متعدد و تعداد اندک ما در این کشور آیا هشدار مسیح تطابق بیشتری با این اوضاع ندارد که گفته است: «*.وقتی پسر انسان می آید آیا اثری از ایمان بر روی زمین خواهد یافت؟* » (لوقا۱۸:۸)
مسیح برای اتحاد شاگردانش دعا کرد به جهت اینکه جهان ایمان آورد (یوحنا۱۷:۲۱)

آیا با این همه تفکیک در بین کلیساهایمان دنیای پیرامون ما می تواند ایمان آورد؟

اگر تفرقه های ما اینطور ادامه داشته باشد آیا فرزندان ما خواهند توانست ایمان آورند؟

اگر اینگونه بمانیم آیا تا چند سال دیگر در این کشور اثری از ایمان یافت خواهد شد؟

پس اگر اوضاع ما تا این حد وخیم است و زخمهای تفکیک و جدائی بین کلیساها اینقدر عمیق می باشد، ظاهراً هیچ کاری نمی شود کرد، بنابراین نتیجه می گیریم که دعا نکنیم.

اما به گفتهٔ مسیح: «*آنچه برای آدمیان غیر ممکن است برای خدا امکان دارد!*» (لوقا۱۸:۲۷)

باگناهان خود مسیح را تازیانه‌زده‌ایم و با پراکندگی و جدائی خود، مسیح را بر صلیب میخکوب کرده‌ایم. اما او امروز زنده است و بر مرگ ما پیروز شده، از قبر برخاسته و حال می خواهد ما را آشتی دهد و همهٔ ما را در ملکوت خودجمع کند. او که شبان نیکوست زندگی خود را برای گوسفندان خویش داد تا یک «*گله ویک شبان*» باشد. (ر.ک یوحنا۱۰:۱۱-۱۶)

علاوه براین، اتحادی که برای آن دعا می‌کنیم انسانی نمی باشد: «*تا همه آنان یکی باشند آنچنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو آنان نیز در ما یکی باشند...*» (یوحنا۱۷:۲۱). بنابراین اتحادی که مسیح از پدر برای ما طلب کرده همان اتحادی است که او با پدر دارد و این، نه تنها بخاطر گناهان ما بلکه بخاطر عمق راز سه گانه مقدس نیزغیر ممکن می باشد.

اگر به قدرت روح القدس در کلیساهایمان ایمان داریم باید از ته دل دعا کنیم:

«*خداوندا روح القدس خود را بفرست*
تا چهرهٔ نوینی به زمین بخشد.»

پولس رسول می گوید که ثمرهٔ روح القدس محبت، شادی، آرامش و... می باشد. (ر.ک غلاطیان۵:۲۲) و ما را دعوت می کند که اتحاد روح را بوسیلهٔ آن پیوندی که آرامش است حفظ کنیم (ر.ک افسسیان۴:۳) پس در روح القدس دعا کنیم تا خودمان را در محبت خدا حفظ نمائیم (یهودا۲۰) این اتحاد، اساساً کار روح القدس در قلب ما و در یکایک کلیساها می باشد.

خدا پسر خود را به جهان فرستاد تا فرزندان خدا را در اتحاد جمع آوری کند (ر.ک یوحنا۱۱:۵۲). پس با قدرت روح القدس این اتحاد امکان پذیر می باشد در صورتی که ما نه تنها جلوگیری نکنیم بلکه در دعا و اعمال خودمان با او همکاری کنیم و با بینائی که روح القدس به ما عطا می کند درک کنیم که نکات مشترک ما در ایمانمان از علل جدائی ما بسیار مهمتر و عمیقتر می باشد: یک ایمان، یک مسیح، یک تعمید، یک روح القدس ...

کلام خدا قوم خویش را دعوت می کند که در اتحاد جمع شود.



توجه کنیم که هدف از اتحاد کلیسا بنا به دعای مسیح که گفت: «*یکی باشند تا جهان ایمان آورد*» این نیست که ما مسیحیان بر ضد گروههای دیگر قویتر شویم و بهتر از خود دفاع کنیم بلکه برعکس، تا بتوان غیرمسیحیان را بهتر خدمت کنیم.

برای اینکه جهت اتحاد مسیحیان با عیسی در دعا بسر بریم در این جزوه نکات مختلفی از انجیل دربارهٔ اهمیت اتحاد و کوشش در جهت نیل به آن یادآوری شده است. «*فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و همراهی روح القدس با همهٔ شما باد آمین.*»

(دوم قرنتیان۱۳:۱۳)

در این شمایل، موسی را می بینیم که بر بالای کوه سینا ایستاده، کلام خدا و عهد قدیم به دست او داده می‌شود و این بیانگر معنی اصلی کلیسا است: جماعتی که خود خدا دعوت کرده است و ما نیز روزهای یکشنبه در نماز، اول کلام خدا را گوش می‌دهیم تا در اتحاد با او جمع شده و بتوانیم در عشاء ربانی شرکت نماییم.

«*در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی و خداوند بمن گفت: قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوانم تا بیاموزند که در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده باشند از من بترسند و پسران خود را تعلیم دهند و شما نزدیک آمده زیر کوه ایستادید و کوه تا به وسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ می‌سوخت.*» (تثنیه۴:۱۰-۱۱)

«*و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را بمن داد و بر آنها موافق تمامی سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع بشما گفته بود نوشته شد.*» (تثنیه۹:۱۰)

«*و او (موسی) بود که در اجتماع بنی‌اسرائیل در بیابان حضور داشت و با فرشته در کوه سینا و با اجداد ما گفتگو کرد و پیام زنده الهی را دریافت نمود تا آن را به ما نیز برساند.*» (اعمال۷:۳۸)

در نتیجه، این خود خدا است که قوم خویش را جمع می‌کند و با اطمینان کامل می توانیم اتحاد کلیساهایمان را از او طلب نماییم، اولین شرط اتحاد مسیحیان این است که «*کلام مسیح در شما بدولتمندی و بکمال حکمت ساکن بشود.*» (کولسیان۳:۱۶)

این تصویر یکی از شمایلهای قدیمی کلیسای شرق است که به ما یادآور می شود مسیح گردآورندهٔ کلیساهاست و شراکت در جسم و خون وی، ما را متحد می سازد.

در وسط سفره، بره‌ای قربانی شده را می بینیم که یهودیان در شام عید گذر با اعضای خانوادهٔ خود تناول می کردند که یادآوری نجات قوم از اسارت مصر بود. برای شاگردان عیسی این برهٔ قربانی شده ما را از اسارت گناه آزاد ساخته و بوسیلهٔ قربانی خویش ما را در محبت جمع آوری می کند. گناه سرچشمهٔ تفرقه و جدائی است، اما اطاعت عیسی نسبت به ارادهٔ پدر باعث اتحاد ما در محبت پدر می گردد. بنابراین اتحاد با همدیگر را نیز ایجاد می کند.

« همچنین کمی نان برداشت و پس از شکرگذاری آن را پاره کرد و به آنان داد و فرمود: این بدن من است که برای شما تسلیم می‌شود، این کار را به یادبود من انجام دهید. به همین ترتیب بعد از شام پیاله‌ای را به آنان داد و فرمود: با خون خود که برای شما ریخته می‌شود پیمان تازه‌ای بسته‌ام و این پیاله نشانه آن است.» (لوقا ۲۲:۱۹-۲۰)

«من آن نان زنده هستم که از آسمان آمده است. هرکه این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند و نانی که من خواهم داد بدن خودم

آخرین شام که مظهر اتحاد کلیسا است.



تواضح ایجاد اتحاد می کند .



من در میان شما چون خادم هستم

می باشد که آن را به خاطر حیات جهانیان می‌دهم. یهودیان با یکدیگر به مشاجره پرداختند و می گفتند : چگونه این شخص می تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟ عیسی پاسخ داد : یقین بدانیداگر بدن پسرانسان را نخورید و خون او را نیاشامید درخودتان حیات ندارید . هرکه بدن مرا بخورد و خون مرا بیاشامد حیات جاودان دارد . و من در روز بازپسین او را زنده خواهم ساخت. زیرا جسم من خوراک حقیقی و خون من نوشیدنی حقیقی است. هر که جسم مرا می‌خورد و خون مرا می‌آشامد ، در من ساکن است و من در او . همانطوری که پدر زنده مرا فرستاد ومن بوسیلۀ پدر زنده هستم، هر که مرا بخورد بوسیلۀ من زنده خواهد ماند . این نانی که از آسمان نازل شده مانند نانی نیست که پدران شما خوردند و مردند . زیرا هر که از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند .»

(یوحنا۶: ۵۱-۵۸)

«از سر سفره برخاسته لباس خود را کنار گذاشت و حوله ای گرفته به کمر بست. بعد از آن در لگنی آب ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله ای که به کمر بسته بود. وقتی نوبت به شمعون پطرس رسید او به عیسی گفت: ای خداوند، آیا تو می خواهی پاهای مرا بشوئی؟ عیسی در جواب گفت: تو اکنون نمی فهمی من چه می کنم ولی بعداً خواهی فهمید. پطرس گفت: هرگز نمی گذارم پاهای مرا بشوئی. عیسی به او گفت: اگر تو را نشویم تو در من سهمی نخواهی داشت.

بعد از آنکه پاهای آنان را شست و لباس خود را پوشید و دوباره سر سفره نشست، از آنها پرسید: آیا فهمیدید برای شما چه کردم؟ شما مرا استاد و خداوند خطاب می کنید و درست هم می گوئید زیرا که چنین هستم. پس اگر من که استاد و خداوند شما هستم پاهای شما را شسته ام شما هم باید پاهای یکدیگر را بشوئید. به شما نمونه ای دادم تا همانطور که من با شما رفتار کردم شما هم رفتار کنید.»

(یوحنا ۱۳:۴-۸ و ۱۲-۱۵)

«در میان شاگردان بحثی درگرفت که کدامیک در میان آنان از همه بزرگتر محسوب می شود. عیسی فرمود: در میان ملل بیگانه، پادشاهان بر مردم حکمروائی می کنند و صاحبان قدرت ولینعمت خوانده می شوند،

اما شما اینطور نباشید، برعکس، بزرگترین شخص در میان شما باید بصورت کوچکترین درآید و رئیس باید مثل نوکر باشد، زیرا چه کسی بزرگتر است -آن کسی که بر سر سفره می نشیند، یا آن نوکری که خدمت می کند؟ یقیناً آن کسی که بر سر سفره می نشیند. با وجود این من در میان شما مثل یک خدمتگزار هستم.»

(لوقا ۲۲:۲۴-۲۷)

تکبر نفاق افکن است.

«ای برادران، بنام خداوند ما عیسی مسیح از شما درخواست می کنم که همهٔ شما در آنچه که می گویید توافق داشته باشید و دیگر بین شما اختلاف و نفاقی نباشد، بلکه با یک فکر و یک هدف کاملاً متحد باشید. .... منظورم این است که یکی می گوید: من طرفدار اپلس هستم. آن یکی خود را پیرو مسیح به دسته ها تقسیم شده است؟ آیا پولس برای شما مصلوب گردید: آیا به نام پولس تعمید گرفتید؟ »

«ای برداران، وقتی من برای اعلام اسرار الهی به نزد شما آمدم با فصاحت و فلسفهٔ انسانی نیامدم، زیرا من تصمیم گرفته بودم تا زمانی که در میان شما هستم همه چیز جزعیسی مسیح مصلوب شده را فراموش کنم. »

«آخر اپلس کیست؟ پولس کیست؟ آنان فقط خادمانی هستند که با اجرای مأموریتی که خداوند به ایشان داده وسیلهٔ ایمان شما گردیدند.

«همه باید ما را خادمان مسیح و مباشرین حقایق اسرار آمیز الهی بدانند.» (اول قرنتیان۱:۱۰، ۱۲:۱۳و ۲:۱-۲ و۳:۵ و۴:۱)

« رحبعام (پادشاه اسرائیل، پسر سلیمان) به شکیم رفت زیرا که تمامی اسرائیل به شکیم آمدند تا او را پادشاه بسازند. . . .آنگاه یربعامو تمامی جماعت اسرائیل آمدند و به رحبعام عرض کرده گفتند: پدر تو

یوغ ما را سخت ساخت، اما تو الان بندگی سخت و یوغ سنگینی را که پدرت بر ما نهاد سبک ساز و ترا خدمت خواهیم نمود. به ایشان گفت: تا سه روز دیگر بروید و بعد از آن نزد من برگردید. پس قوم رفتند و رحبعام پادشاه با مشایخی که در حین حیات پدرش سلیمان به حضورش می ایستادند، مشورت کرده گفت: که شما چه صلاح می بینید تا به این قوم جواب دهم؟ ایشان او را عرض کرده گفتند: اگر امروز این قوم را بنده شوی و ایشان را خدمت نموده جواب دهی و سخنان نیکو به ایشان گوئی، همانا همیشهٔ اوقات بندهٔ تو خواهند بود. اما مشورت مشایخ را که به او دادند ترک کرد و با جوانانی که با او تربیت یافته بودند و به حضورش می ایستادند، مشورت کرد و به ایشان گفت: شما چه صلاح می بینید که به این قوم جواب دهیم که به من عرض کرده گفته اند یوغی را که پدرت بر ما نهاده است سبک ساز جوانانی که با او تربیت یافته بودند او را خطاب کرده گفتند که به این قوم که به تو عرض کرده گفته اند که پدرت یوغ ما را سنگین ساخته است و تو آنرا برای ما سبک ساز، به ایشان چنین بگو: انگشت کوچک من از کمر پدرم کلفت تر است و حال پدرم یوغ سنگین بر شما نهاده است. اما من یوغ شما را زیاده خواهم گردانید. پدرم شما را به تازیانه ها تنبیه نمود، اما من شما را به عقربها تنبیه خواهم نمود. و در روز سوم یربعام و تمامی قوم به نزد رحبعام باز آمدند بنحوی که پادشاه فرموده و گفته بود که: در روز سوم

نزد من بازآئید . و پادشاه قوم را به سختی جواب داد و مشورت مشایخ را که به وی داده بودند ترک کرد و موافق مشورت جوانان ایشان را خطاب کرده گفت: پدرم یوغ شما را سنگین ساخت اما من یوغ شما را زیاده خواهم گردانید . پدرم شما را به تازیانه ها تنبیه می نمود ، اما من شما را به عقربها تنبیه خواهم کرد . و پادشاه قوم را اجابت نکرد زیرا که این امر از جانب خداوند شده بود تا کلامی را که خداوند بواسطهٔ اخیای شیلونی به یربعام بن نباط گفته بود ثابت گرداند . و چون تمامی اسرائیل دیدند که پادشاه ایشان را اجابت نکرد آنگاه قوم، پادشاه را جواب داده گفتند :

ما را در داود چه حصه است؟
و در پسر یسا چه نصیب؟
ای اسرائیل به خیمه های خود بروید
و اینک ای داود ، به خانه خود متوجه باش .

پس اسرائیل به خیمه های خویش رفتند . اما رحبعام بر بنی اسرائیل که در شهرهای یهودا ساکن بودند ، سلطنت می نمود . »

(اول پادشاهان۱۲ :۱ و ۳-۱۷)

پول پرستی باعث جدائی است



پولس : پول پرستی سرچشمهٔ همه گناهان است .

اتحاد کاذب



«*آنگاه یهودای اسخریوطی که یکی از آن دوازده حواری بود پیش سران کاهنان رفت وگفت: اگر عیسی را به شما تسلیم کنم به من چه خواهید داد؟ آنان سی سکه نقره را شمرده به او دادند . از آن وقت یهودا به دنبال فرصت مناسبی بود تا عیسی را تسلیم نماید .* »

(متی۲۶:۱۴-۱۶)

«*آن شاگرد خائن به همراهان خود علامتی داده و گفته بود: کسی را که می بوسم همان شخص است ، او را بگیرید . پس یهودا فوراً به طرف عیسی رفت و گفت: سلام ای استاد و او را بوسید .* »

(متی۲۶:۴۹-۵۰)

«*در این وقت یهودای اسخریوطی پسر شمعون که یکی از حواریون عیسی بود و بزودی او را تسلیم می کرد گفت: چرا این عطر به قیمت سی و پنج هزار ریال فروخته نشد تا پول آن به فقرا داده شود؟ او این را از روی دلسوزی برای فقرا نگفت بلکه به این دلیل گفت که خودش مسئول کیسه پول و شخص دزدی بود و از پولی که به او می‌دادند برمی‌داشت .* »

(یوحنا ۱۲:۴-۶)

اتحاد ناشی از قلب خفته است، همانگونه که شاگردان همگی در باغ جتسیمانی به خواب غفلت فرو رفتند .

آیا اینگونه اتحاد ، اتحاد واقعی مسیحیان است؟

« *وقتی به محلی به نام جتسیمانی رسیدند ، عیسی به شاگردان فرمود: وقتی من دعا میکنم شما در اینجا بنشینید . و بعد پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برد . عیسی که بسیار مضطرب و دلتنگ شده بود بایشان فرمود : از شدت غم و اندوه نزدیک به مرگ هستم ، شما اینجا بمانید و بیدار باشید . عیسی کمی از آنجا دور شد و بر روی زمین افتاده دعا کرد که اگر ممکن باشد آن ساعت پر درد و رنج نصیب او نشود . پس گفت : ای پدر ، همه چیز برای تو ممکن است ، این پیاله را از من دور ساز ، اما نه به خواست من بلکه به اراده تو . عیسی برگشت و ایشان را در خواب دید ، پس به پطرس گفت: ای شمعون ، خواب هستی؟ آیا نمی‌توانستی یک ساعت بیدار بمانی؟ بیدار باشید و دعا کنید تا از وسوسه ها بدور بمانید . روح مشتاق است اما جسم ناتوان . عیسی بار دیگر رفت و همان دعا را کرد . وقتی برگشت باز هم آنها را در خواب دید ، آنها گیج خواب بودند و نمی‌دانستند چه جوابی به او بدهند .* »

(مرقس۱۴:۳۲-۴۰)

«*اولاً می‌شنوم هنگامی که به صورت کلیسا دور هم جمع می‌شوید به دسته های مختلف تقسیم می‌گردید و این را تا اندازه‌ای باور می‌کنم ، زیرا شکی نیست که باید در میان شما دسته هائی بوجود آید تا اشخاص صمیمی شناخته شوند .*» (اول قرنتیان۱۱:۱۸-۱۹)

«. . .عیسی می باید در راه قوم یهود بمیرد .
و نه تنها در راه آن قوم،
بلکه تا فرزندان خدا را که پراکنده هستند
بصورت یک بدن واحد بهم بپیوندد . »

(یوحنا ۱۱:۵۱-۵۲)

«من شبان نیکو هستم. شبان نیکو، جان خود را برای گوسفندان فدا می سازد . اما مزدوری که شبان نیست و گوسفندان به او تعلق ندارند وقتی ببیند که گرگ می آید گوسفندان را می گذارد و فرار می کند . آنگاه گرگ به گله حمله می کند و گوسفندان را پراکنده می سازد . او می گریزد چون مزدور است و به فکر گوسفندان نیست. من شبان نیکو هستم، من گوسفندان خودم را می شناسم و آنها هم مرا می شناسند . همانطور که پدر مرا می شناسد ، من هم پدر را می شناسم و جان خود را در راه گوسفندان فدا می سازم. من گوسفندان دیگری هم دارم که از این گله نیستند ، باید آنها را نیز بیاورم. آنها صدای مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد . » (یوحنا ۱۰:۱۱-۱۶)

«زیرا مسیح صلح و صفا را بین یهود و غیریهود بوجود آورده و این دو را با هم متحد ساخته است . او با بدن جسمانی خود دیواری که آنان را از هم جدا می کرد و دشمنان یکدیگر می ساخت در هم شکست ، زیرا

قربانی بره پاک در راه اتحاد جدید مابین خدا و قومش



شریعت را با مقررات و احکامش منسوخ کرد تا از این دو دسته در خود یک انسانیت تازه‌ای بوجود آورد و صلح و صفا را میسر سازد. مسیح با مرگ خود روی صلیب این دو را در یک بدن واحد دوستان خدا گردانید، تا دشمن دو جانبهٔ یهود و غیریهود را نیز از میان بردارد. به این سبب بود که مسیح آمد و مژده صلح را به شما که دور بودید و آنانی که نزدیک بودند اعلام کرد. اکنون هر دو بوسیلهٔ مسیح اجازه داریم که در یک روح، یعنی روح‌القدس به حضور خدای پدر بیائیم.»

(افسسیان ۲:۱۴-۱۸)

نزول روح القدس بر کلیسا



اولین شورای رهبران مسیحیان در اورشلیم



«. . . شرح کارهای بزرگ خدا را به زبان خودمان می‌شنویم.»

«همه مومنان از دل و جان متحد شده بودند و هیچ کس دارائی خود را از آن خود نمی‌دانست بلکه در اموال یکدیگر شریک بودند.»

(اعمال۲:۱۱ و ۴:۳۲)

«. . . زیرا محبت خدا بوسیلهٔ روح‌القدس که به ما عطا شد قلبهای ما را فراگرفته است.» (رومیان۵:۵)

«اعمال طبیعت نفسانی آشکارند: زنا، ناپاکی، هرزگی، بت‌پرستی، افسونگری، دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم، خودخواهی، اختلافات، دسته بندی.

اما ثمراتی که روح‌القدس ببار می‌آورد: محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیرخواهی و وفاداری.»

(غلاطیان ۵:۱۹-۲۰ و ۲۲)

«برای حفظ آن وحدتی که روح‌القدس بوجود می‌آورد و با رشته های صلح و صفا به هم پیوسته می‌شود نهایت کوشش خود را بکنید. همانطور که یک بدن و یک روح‌القدس است، خدا نیز در وقتی که شما را خواند یک امید به شما داده است. و همچنین یک خداوند و یک ایمان و یک تعمید و یک خدا وجود دارد که پدر همه و مافوق همه بوده و در همه کار می‌کند و در همه ساکن است.» (افسسیان۴:۳-۶)

در اجتماع ایمانداران اولیه اختلافات عقیدتی بروز کرد. بدین ترتیب که عده‌ای معتقد بودند هرگاه بت‌پرستی می‌خواهد مسیحی گردد ابتدا باید آداب و رسوم یهودیان را پذیرا باشد. در این میان بعضی از حواریون از جمله پولس به این عقیده اعتراض کرده و معتقد بودند که چنین امری لازم نیست. بهمین دلیل در اورشلیم شورا تشکیل دادند و به کمک روح القدس موفق شدند که با اتحاد کامل ارادهٔ خداوند را بجا آورند و گفتند:

«رای روح القدس و ما بر این تعلق گرفته است که جز دستوراتی که در زیر می‌آید بار شما را سنگین‌تر نسازیم.» (اعمال۱۵:۲۸)

شمایلی را که مشاهده می‌کنید نمایانگر اتحاد کلیساست که روح القدس بصورت شعله آتش بر آن بال گسترده است. اتحاد به معنی متحدالشکل بودن کلیساها نیست و مسئولیتها در راه خدمت به اتحاد انسانها متفاوت می‌باشد، همانگونه که دربارهٔ شورای اورشلیم، پولس چنین نوشت:

«بلکه آنها به این حقیقت پی بردند که خدا مرا مأمور اعلام انجیل به غیریهودیان ساخته است همانطوری که وظیفهٔ اعلام انجیل به یهودیان را به پطرس محول کرده بود. (زیرا همان خدائی که به من قدرت داد تا رسول غیریهودیان باشم، به پطرس نیز قدرت بخشید تا او رسول یهودیان

باشد.) وقتی یعقوب و پطرس و یوحنا که به ارکان کلیسا معروفند آن فیضی را که خدا به من عطا فرموده بودتشخیص دادند، آنها دست من و برنابا را به علامت موافقت فشردند و قبول کردند که ما در میان غیریهودیان کار کنیم و آنان در میان یهودیان.» (غلاطیان۲:۷-۹)

«عطایای روحانی گوناگون است اما همهٔ آنها را یک روح می‌بخشد. خدمات ما گوناگون است اما تمام این خدمات برای یک خداوند است. فعالیتهای ما نیز مختلف است اما یک خدا است که در همه عمل می‌کند. در هر فرد، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می‌کند.

بدن انسان واحدی است که از اعضا بسیار تشکیل شده و اگر چه دارای اعضای متفاوت می‌باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همینطور می‌باشد. پس همهٔ ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته‌ایم و همه از همان روح پر شده‌ایم تا از او بنوشیم. بدن از یک عضو ساخته نشده بلکه شامل اعضای بسیار است. اگر پا بگوید: چون دست نیستم به بدن تعلق ندارم آیا بخاطر این حرف دیگر عضو بدن نیست؟ یا اگر گوش بگوید: بعلت این که چشم نیستم به بدن متعلق نیستم، آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمی‌شود؟ اگر تمام بدن چشم بود چگونه می‌توانست

بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود چگونه می‌توانست ببوید؟ در حقیقت خدا جای مناسبی را به همهٔ اعضای بدن طبق ارادهٔ خود بخشیده است. اگر تنها یک عضو بود بدنی وجود نمی‌داشت!»

(اول قرنتیان ۱۲:۴-۷ و ۱۲-۱۹)

«اما پشتیبان شما یعنی روح‌القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه را به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد.»

«در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید، شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد زیرا از خود سخن نخواهد گفت بلکه فقط درباره آنچه بشنود سخن می‌گوید و شما را از امور آینده باخبر می‌سازد.»

«اما وقتی پشتیبان شما که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم بیاید یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او درباره من شهادت خواهد داد و شما نیز شاهدان من خواهید بود زیرا از ابتدا با من بوده‌اید.» (یوحنا ۱۴:۲۶ و ۱۶:۱۳ و ۱۵:۲۶-۲۷)

اتحاد تثلیث مقدس



اتحاد کلیساها نشانه ای از راز تثلیث مقدس و هدف آن شریک شدن در این راز می باشد . شمایلی را که مشاهده می کنید نمایانگر سه مهمان ابراهیم است (ر.ک: پیدایش۱۸) که در کلیسای اولیه مشرق زمین این سه مهمان ، اولین نشانهٔ راز تثلیث می باشند . در وسط این شمایل ، پدر ، در طرف راستش پسر و در طرف چپش روح القدس را مشاهده می کنید که دور میزی نشسته اند و روی میز قربانی ابراهیم که نشانه ای از قربانی ما می باشد ، قرار دارد . در پایین میز شکل مستطیلی دیده می شود که نشانه ای از زمین خالی است که به مفهوم دعوت به شراکت انسان در راز تثلیث می باشد .

«همانطور که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستادم . و اکنون بخاطر آنان خود را تقدیس می نمایم تا آنان نیز با راستی تقدیس گردند . فقط برای اینها دعا نمی کنم ، بلکه برای کسانی هم که بوسیله پیام و شهادت آنان به من ایمان خواهند آورد ، تا همه آنان یکی باشند آنچنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو و آنان نیز در ما یکی باشند تا جهان ایمان بیاورد که تو مرا فرستاده ای . آن جلالی را که تو به من داده ای من به آنان داده ام تا آنها یکی باشند آنچنانکه ما یکی هستیم ، من در آنان و تو در من ، تا آنها بطور کامل یکی باشند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و آنها را مثل خود من دوست داری . ای پدر ،

آرزو دارم کسانی که به من بخشیده ای در جائی که من هستم با من باشند تا جلالی را که تو بر اثر محبت خود پیش از آغاز جهان به من دادی ببینند .

من تو را به آنان شناسانیدم و باز هم خواهم شناسانید تا آن محبتی که تو نسبت به من داشته ای در آنها باشد و من هم در آنها باشم . »
(یوحنا۱۷:۱۸-۲۴ و ۲۶)

نیایش برای اتحاد کلیساها

تمام کلیساهای مسیح در جهان یک هفتهٔ کامل را اختصاص داده‌اند تا با هم برای اتحاد مسیحیان دعا کنند و اغلب با این دعای زیر آشنا هستند و استفاده می‌کنند:

*** بندگردان:**

خداوندا، روح‌القدس خود را بفرست
تا چهرهٔ نوینی به زمین بخشد.

۱- مسیحا، خداوند ما، تو در شب مرگت
برای ما این چنین نیایش کردی:
«ای پدر، همگی یکی گردند
همانگونه که تو ای پدر
در من هستی و من در تو
باشد که همگی نیز در ما یکی شوند،
تا جهان ایمان آورد،
که تو مرا فرستاده‌ای.
پس ما را با تلخی ودرد، از بی‌وفایی

و پراکندگیمان آگاه ساز.

۲- به ما آن فیض را عطا فرما
تا آنچه از بی‌قیدی، بدگمانی
و حتی دشمنی متقابل را که در درون ما
نهفته است درک کرده و با صداقت به آنها
معترف گشته و با شجاعت و به یاری تو
آنها را به دور افکنیم.

۳- باشد که به یاری روح‌القدس،
همگی ما در تو،
به دیدار یکدیگر نائل شویم
تا نیایش تو، برای اتحاد مسیحیان
آنگونه که می‌خواهی
و آنچنان که مشیّت توست
از قلب و زبان ما
همواره بسوی آسمان بلند گردد.

۴- در تو که محبت کامل هستی ای مسیح،
ما را آگاه ساز تا آن راه رسیدن به اتحاد را،

در اطاعت از محبت و حقیقت تو باز یابیم.

۵- شکوه و ستایش و افتخار
در کلیسای متحد
بر پدر، پسر و روح القدس،
خدای یکتا باد تا ابدی روز کمال،
آمین.

سرود

***بند برگردان**

اعمال تو را می‌دانم:

«اینک دری گشوده پیش روی تو گذارده ام
که کسی آنرا نتواند بست
زیرا اندک قوتی داری
اما کلام مرا حفظ کرده
اسم مرا انکار نکردی.»
به زودی می‌آیم پس آنچه داری حفظ کن
آنکه گوش دارد بشنود
که روح به کلیساها چه می‌گوید.

۱- ای عیسی، برای یاران و خدمتگزارانت
حامی و پشتیبان گسیل دار
چون قلبمان را سیلاب غم و اندوه فرا گرفته
ما را به هنگام مصیبت و آزمودگی ترک مگو
و به هنگام مشقت و دشواری از ما روی مگردان.

۲- خود را به ما رسان و نزدیک ما باش،

تو که در همه جا هستی
چنانکه با پیروان همراه بودی،
دوستان را که به تو علاقه دارند به گرد خود جمع دار
تا همه در تو متحد شوند و ستایشگر روح القدس باشند.

۳- شما که در فراق وامید طلوع آفتاب الهی هستید
برخیزید، نظر به بالا افکنده
و قلبتان را بسوی عیسی معطوف کنید
او به ما وعده کرده:
«روح القدس را برایتان می فرتسم
که کمال تقدس است.»

کوشش در راه اتحاد مسیحیان

محبّت به جای جنگ
دنیای از هم گسیخته
بازگشت بسوی مسیح
لغزش حاصل از تفرقه مسیحیان
بدون دعا اتّحادی نیست

ما همه آگاهیم در صورتی که ملل دنیا نتوانند در اتّحاد و دوستی زندگی کنند در خطر نابودی نژاد بشر خواهیم بود. وحشت از سلاحهای اتمی که ممکن است تمدّن ما را بطور کامل نابود کند، ما را وادار به کوشش برای اتّحاد بیشتری با تمام مردم می سازد. مردمان بسیاری از کشورها درخلال دو جنگ جهانی پابپای هم جنگیدند و از شیطان مخوف جنگ، احترام و همدمی بوجود آوردند. درنتیجه آنها به خانه هایشان برگشتند و مصمم بودند که برادر هرگز نباید برادر بکشد. از آن پس آنها احساس همدردی را حتی در مورد کسانی که بر علیه آنها جنگیده و مجبور به آزار آنان گشته بودند، در خود تقویت دادند.

این گرایش عالمگیر بسوی وحدت، در مذهب نیز آشکار است. مسیحیانی که با هم در اردوگاههای متراکم زجر کشیدند و با هم وحشت جنگ را تحمل کردند، بخوبی درک نمودند که جدائی آنان نمی تواند بر طبق خواسته مسیح باشد. در سالهای اخیر گرایش بسوی وحدت قوی ترشده و پیشرفت سریعی کرده است.

این گرایش عالمگیر در راه متّحد ساختن «تمام جهان مسکونی» در مسیح را جنبش قاطبهٔ جهان می نامیم و این جنبش شامل همهٔ نژادها و همهٔ افراد می باشد. این فعالیت، مسیحیان را وادار به هماهنگی و وحدت عمیق تری در جستجوی مسیح می کند. با اینکه صمیمانه آرزومند و مشتاقیم که به مسیح وفادار بمانیم همچنین امیدواریم اتّحاد خود را با غیر مسیحیان مستحکم تر گردانیم. زیرا آگاهیم که همه متعلّق به نسل مشابه بشری می باشیم و باید در محکم کردن رشته های عشق و احترام در بین خود بکوشیم. جنبش مسیحیان به منظورایجاد اتّحاد و هماهنگی بین خود و کوشش آنان برای نزدیک شدن به غیر مسیحیان دو جنبهٔ این جنبش همه گیر می باشند که مکمل یکدیگرند.

چرا تفرقه بوجود آمد؟

امروزه مردم از عدم وجود اتّحاد در مسیحیت نگران و متعجبند. آنها می پرسند: در حقیقت چرا ما متّحد نیستیم؟ این همه ادیان برای چیست؟ آیا مسیحی و غیر مسیحی به منظور احترام خداوند متّحد می شوند؟ بیائید به بعضی از دلایلی که موجب این وضعیت ناخوشایند می گردند، مورد توجه قرار دهیم.

ما می توانیم دریابیم که خداوند خود را به یک نحو برای همه توجیه نکرده است. به همه امکان یکسانی برای شنیدن تعلیمات مسیح نداده است: او هرگز کسی را برای اینکه امکان دسترسی به حقیقت را نداشته است محکوم نمی کند. هیچکس بوسیله خداوند انکار نمی شود مگر آنکه از ابتدا آن شخص با آگاهی خداوند را انکار کند.

از زمانی که خداوند به منظور زندگی کردن بسان یک انسان به این دنیا آمد، خود را در جهات معین محدود کرد. عیسی مسیح که خداوند در قالب انسان بود، در کشور کوچکی در زمان معینی از تاریخ زندگی کرد. در طول زندگیش فقط چند هزار نفر او را شناختند و یا با او ملاقات کردند. بعد از بازگشت او بسوی پدر، کسانی که به زمان ومحل

زندگی او نزدیک تر بودند پیام او را زودتر از همه شنیدند . سپس با گذشت سالها و قرنها باز کسانی که نزدیک به ناحیه پر جمعیت مسیحی نشین و یا مناطقی که کلیسا در آنجا ریشه دوانیده بود ، بهترین امکان شنیدن پیغام مسیح را داشتند . امروز نیز این امر صادق است و شاید ادامه این وضع بستگی به محدودیت انسان دارد ، بهر حال همهٔ مردم از امکانات یکسانی برای شنیدن بشارت مسیح برخوردار نیستند و درواقع این موقعیت دعوتی است که همهٔ مسیحیان را به مبارزه می طلبد .

در مورد اینکه قدرت ایمان آوردن مردم مختلف است و در قبول تعلیمات مسیح کندپیش می روند ، دلایل دیگری نیز وجود دارد . به هنگام شنیدن تعلیمات ، قدرت پذیرش هر شخصی بستگی به شرایط زندگی و تمایلات آن شخص دارد . در انجیل ، عیسی داستان دهقانی را که در زمینهای مختلف بذر می افشاند ، تعریف می کند . به فراخور حاصلخیزی زمین ، بذر میوه های بیشتر یا کمتری ببار می آورد . همچنین عوامل زیادی در زندگی گذشته ما وجود دارد که عکس العمل های ما را تا حدی تعیین می کند ، مانند : خانواده ، فرهنگ ، اصول دینی ، خوی و محیط...

گناه اصلی انسان هم وجود دارد که پذیرفتن کلام را پیچیده تر می سازد. در نتیجه حسادت ، بدگمانی و تنبلی می توانند راه روشن را

برای خیلی ها تیره کند . بنا به آنچه که گفته شد حیرت آور نیست اگر اختلاف عقیده های زیادی بین گروهها و اشخاص متعدد بر سر اینکه مسیح چه گفته است وجود داشته باشد. علیرغم تمام مشکلات ، عیسی به ما اطمینان داده است که اصالت پیامش در این دنیا بر جای خواهد ماند، زیرا قول داده است که با کلیسای خود تا آخرت بماند . او مراقب خواهد بود که حقیقت الهی ، همیشه با ما باشد .

ادیان غیر مسیحی

اعتقادات مشترک متعددی در میان مسیحیان وغیر مسیحیان وجود دارد . از این ادیان بسیاری خدای خالق را شناخته و پرستش می کنند و حضور او را در تاریخ و امور بشر مشاهده می کنند . هندوها سعی دارند راز خداوند را بررسی کرده و اعتقادات خود را بصورت افسانه و فلسفهٔ بسیار عمیقی ادا نمایند . بودائی ها نارسائی های دنیا را کشف کرده اند و درجستجوی رهائی ازآن می باشند. مسلمان خداوند را تکیه گاه کامل می دانند ،آنان معتقدند که خداوند خود را به بشر شناسانیده است. آنها مبدا تاریخ دین خود را ابراهیم قرار داده و مسیح را به عنوان یک پیامبر که از باکره ای متولد شده و قادر به انجام معجزات می باشد، محترم می شمارند، ولی آنها او را به عنوان خداوند قبول ندارند .

ما با یهودیان نیز وجه تشابه داریم و هر دوی ما به تورات معتقدیم. مانباید این واقعیت را نادیده بگیریم که عیسی مسیح در میان آنها و از مادر یهودی متولد شد و تعلیمات خود را نیز به حواریون خود که یهودی بودند، آموخت. مامی دانیم که آنها عیسی را به عنوان مسیح موعود نمی‌شناسند و تعلیمات او را قبول ندارند، با وجود این، امروزه بعضی از آنها او را به عنوان ربی می پذیرند.

ما به برادری همگانی و ارزش حیثیت بشر ایمان داریم زیرا تک تک انسانها توسط همان پدر آسمانی آفریده شده‌اند، و در این راه آرزومندیم که با همهٔ آنها در صلح باشیم. این امر ما را از اینکه شاهدان صادق و وفادار مسیح باشیم، باز نمی‌دارد.

تفرقه در میان مسیحیان

در کمال تاسف ما امروزه شاهد تفرقه های عمیقی بین مسیحیان هستیم و سرچشمه بیشتر این تفرقه ها را باید در امور سیاسی و تعصبات جستجو کرد نه در الهیات. حتی در نامه های حضرت پولس و حضرت یوحنا اخطارهائی در مورد تفرقه در میان مسیحیان داده شده است. در طول ۳۰۰ سال اولیهٔ مسیحیت، بدلیل زجر و آزاری که به کلیسا وارد

می‌آمد، اتّحاد زیادی بین مسیحیان پیدا شده بود اما به محض اینکه دورهٔ جور و جفا پایان یافت اختلافات بین آنها، بخصوص در شرق بروز کرد. بعضی از این اختلافات بر سر اعتقادات اساسی که مربوط به شخص عیسی می بود، دور میزد. در اثر انشعابات، کلیسا از هم پاشیده شد و بعضی از این تقسیمات و جدائی ها تا به امروز پابرجاست.

مسیحیت در مشرق زمین پا به عرصه وجود گذاشت و در همین سرزمین اولین جرقه های اختلاف پدیدار گشت.

مسیحیت در آغاز رسالت خود ناچار شد که در برابر انحرافات متعددی که در مورد پیام مسیح بوجود آمده بود، موضع گیری کند. زمانی که به اذیت و آزار مسیحیان پرداختند گروههای مسیحی سعی کردند مشکلات خود را که جنبهٔ کلیسائی داشت فقط در بین خود مطرح سازند. پس از یکی دو قرن این گرایشهای انحرافی قدرت خود را از دست می‌دادند لیکن بعضی از این تفکرات بر جای خود باقی مانده و پیشرفت می نمودند. در اوایل قرن چهارم کادر اداری امپراطوری روم به مسیحیت گروید و زمانی که شخصیت های با نفوذ غیرنظامی رومی به مسیحیت روی آوردند رفته رفته بعضی از آنها به مقام اسقفی نائل آمدند به همین دلیل هرگاه تصمیم گرفته می شد که بعضی از افکار منحرف را ریشه کن کنند، بلافاصله مسئله سیاست مطرح می شد.

آریوس (کشیش اسکندریه) و پیروانش معتقد بودند که مسیح فقط دارای شخصیت انسانی است و این ایدهٔ پلید که با انجیل مغایرت دارد، در میان ملت گوتها رخنه کرده و باعث گردید که به اسپانیا و افریقای شمالی نیز منتقل گردد. زمانی که گوتها روم را تسخیر کردند این فکر در آنها نیز نفوذ کرد. بعضی از امپراطوریهای بیزانسی نیز پیرو مکتب آریانیسم گردیدند و بهمین جهت در صدد اذیت و آزار مسیحیان دیگر برآمدند.

در قرن پنجم پطریارخ قسطنطنیه که نامش نسطوریوس و اهل انطاکیه بود کاملاً منکر مادر خدا بودن مریم شد زیرا اومعتقد بود که مسیح بنحوی از انحاٗ از وجود مریم گذشت بدون اینکه واقعاً انسان گردد. اما بنا به گفتهٔ آریوس مسیح فقط انسان بود. در این زمان امپراطوری ساسانی با امپراطوری بیزانس در جنگ بسر می برد و مسیحیان امپراطوری ساسانی که با انطاکیه وابستگی داشتند، بخاطر اینکه از طرف ساسانی مورد سوٰظن واقع نشوند، اجباراً اختلافات مذهبی خود را با بیزانس قوت بخشیده، این عقیده نسطوریوس را پذیرفته و بر آن پافشاری می کردند. بنابراین کلیسای امپراطوری پارس بعد از مدتها که تحت فشار و آزار بود، رفته رفته وسعت یافت و رسالت بشارت را از دیدگاه خود آغاز کرد. در طول قرون متمادی بشارت آنان بقدری وسعت یافت که حتی به

هندوچین نیز سرایت کرد و اختلافات اصولی آنان که بعدها به مجادله منجر شد، کم کم از حالت خود خارج گشته بصورت فرمول بسیار بی اهمیتی درآمد. تقوی و پرهیزکاری مسیحیان کم کم آن میکروب انحرافی را نابود کرد در سال ۴۵۱ یعنی اواسط قرن پنجم در شورای کالسیدون به این بیان که «عیسی مسیح دارای دو طبیعتدر یک شخص می باشد» رأی موافق دادند. این اصل توسط پاپ لئون کبیر پیشنهاد شد، البته در این اجتماع این اصل بسیار گویا بود لیکن خارج از آن اجتماع، برداشتهای متفاوتی ازآن می شد. کلیسای سوریه در این مورد پنج واژهٔ متفاوت برای توصیف «طبیعت» و «شخص» بکار برد افرادی که بین سریانی ها مؤمن‌تر بودند و نیزبه زبان یونانی تسلط می نگاشتند احساس کردند کهبا این نحو توصیف، الوهیت مسیح‌از بین رفته است. «زنون» امپراطور (بین سالهائ ۴۸۴-۴۸۲) اتّحاد از دست رفته را با پیشنهاد اصل «فقط یک طبیعت که بعد از اتّحاد جسم گرفت» (اتّحاد خداوند وانسان) جان بخشید. لیکن پاپ روم می ترسید که مبادا مردم تصور کنند که مسیح رنج واقعی انسان گناهکار را با کمال میل نپذیرفته است. بین سالهای ۴۸۴ و ۵۱۸ گسترش کلیساهای شرق بسیار چشمگیر بود بخصوص در ارمنستان، گرجستان، سوریه، عربستان، مصر و اتیوپی و بعد درسال ۵۱۸ در زمان یوستینوس امپراطور که تحت تاثیر برادر زادهٔ خود یعنی یوستی نیانوس (امپراطور آینده) قرار گرفت و اصل شورای

کالسیدون را مجدداً احیا نمود در نتیجه تحت فشار دولت موقت اکثر اسقفان شرق کناره گیری اختیار کردند. جانشینان این اسقفان افرادی بودند که از طرف امپراطوری یوستی نیانوس برگزیده شده بودند. روشن است که این چنین سیاست بیزانس گرا عکس العمل بسیار تندی‌را در مقابل مردم ایجاد نمود و این مبدأ پیدایش کلیساهای مونوفیزیت (کسانی که معتقد به یک طبیعت در مسیح هستند)، یا بعبارت دیگر کلیساهای ارامنه، قبطی، سریانی و اتیوپی مستقل شدند این برخوردها صرفاً دلیل تضاد در بیان و توصیف طبیعت مسیح نبود بلکه به خاطر منافع سیاسی، ادامه و وسعت یافت. صد سال قبل از محمد، مسیحیان بخران‌در شبه جزیرهٔ عربستان تحت تعقیب و آزار قرار گرفته و بنظرمی رسد که این واقعه در کناره گیری محمد از ملل اهل کتاب‌بی اثر نبوده است. بهرحال امروزه مشکل می توان دریافت که قتل عام مسیحیان بخران که توسط پادشاه ذونواس یهودی نژاد صورت گوفت از جانب یهودیان یا از طرف نسطوریت بود، زیرا در آن زمان لقب یهودی به نسطوریت نیز داده می شد (طبق کتیبه های موثق آن زمان). کلیساهای ارمنستان و گرجستان در زمان «زنون» امپراطور که سیاست متّحد کردن مسیحیان را پیشه خود ساخته بود، استقلال نداشتند و بخصوص از «شورای دوین (دبیل)» درسال ۵۰۶ چنین استنباط میشود که این کلیساها اتّحاد و وابستگی خود را حفظ کرده و در اواسط قرن‌ششم استقلال پیدا کردند

بعضی از اجتماعات ارامنه و تمام گرجیها به کلیسای بیزانس پیوستند و تقریباً در سال ۵۵۱ در ارمنستان کلیسای کاملاً مستقلی پی ریزی شد که ارامنه و ارتدوکس آنرا بعنوان کلیسای مادر می شناسند. بر اثر مرور زمان با مطالعه و بررسی علل تفکیک بعضی کلیساها نهضت جدیدی بین کلیساها بوجود آمد، یعنی برخی از کلیساها ئی که از کلیسای روم جدا گشته بودند مجدداً به آن پیوستند. کلیسائی که امروزه ما بنام کلیسای «اونیات» (طرفداران اتّحاد روم) می شناسیم بر اثر نهضت فوق الذکر بوجود آمد و با حفظ و حراست تمام آئین و آداب شرق به کلیسای روم گروید و تقدم داشتن کلیسای روم را پذیرا شد، زیرا رهبر آنرا، جانشین پطرس کسی که ارشد حواریون بود قبول کرد. باید گفت که در سال ۱۰۵۴ کلیساهای روم و بیزانس یکدیگر را نفرین کردند و علل آن عبارت بود از: قلمرو اختیارات و بیان راز تثلیث قدوس که مربوط به صادر شدن روح القدس فقط از پدر و یا از پدر و پسر می باشد.

مورخین ثابت کرده اند که نماینده پاپ، کاردینال هومبرت، زمانی نفرین نامهٔ پاپ را به میخائیل پطریارخ قسطنطنیه رسانید که دیگر پاپ در قید حیات نبود و بعضی از محققین معتقدند که جدائی رسمی بین کلیسای یونانی و روم هیچگاه واقعیت کامل نیافته است. بخاطر همین سوابق تاریخی است که امروزه مسیحیان به یکدیگر نزدیک تر میشوند با

آنکه میراث و تقوای واقعی و فرهنگ اختصاصی هر کلیسا در معرض خطر قرار دارد.

اما کلیسای غرب تا زمان مارتین لوتر در قرن شانزدهم اتّحاد خود را حفظ کرد، لیکن بعد، این اتّحاد از هم گسیخت. مسیحیان شروع به آزار واذیت یکدیگر کردند و دوباره بر علیه هم وارد جنگ شدند. گسیختگی های مذهبی مردم را خواه ناخواه وادار به جبهه گیری کرد. هر کسی می بایست یا کاتولیک باشد یا پروتستان. چون پروتستانها کتاب مقدس را اصل و پایهٔ اعتقاد و ایمان خود قرار دادند بنابراین اگر یک کاتولیک اهمیت زیادی برای کتاب مقدس قائل می شد، ممکن بود مردم او را پروتستان پنهانی بدانند. به همین ترتیب کاتولیک ها که برای مقام پاپ، اسقفان و راز های هفتگانه اهمیتی بیش از حد قائل بودند، اگر یک فرد پروتستان به چنین اصولی ابراز علاقه می کرد، مورد بدگمانی قرار گرفته و طرفدار روم معرفی می شد.

بهمین گونه آنچه که در آغاز بروز کرد اختلاف عقاید بود ولیکن جدی تر شد و باعث جدائی این دو اجتماع مذهبی گردید بطوریکه بعد از چند نسل رابطهٔ معنوی بین آنها بسیار کم شد. سرنوشت نسل جدید این بود که به ناچار طرف جبههٔ خود را نمایندهٔ دشمن و خطرناک و منفوربشمار آورد. هرگره شخصی دست دوستی بر علیه مانع موجود دراز

می کرد احتمال می رفت که از هر دو طرف چه کاتولیک و چه پروتستان قربانی تعصبات خانوادگی گردد.

ما کاتولیکها بخاطر شریک بودن در این جدائی ملامت را کاملاً پذیرفته ایم و معترفیم که می باید با فروتنی به بعضی گفته های اصلاح طلبان گوش فرا می دادیم، زیرا بعضی از آنها کاملاً منطقی بودند. بهرحال ما بجای اینکه گوش بدهیم و ببینیم که سخنان آنان تا چه اندازه ای برای ما قابل قبول است، از قدرتهای سیاسی خود برای خاموش کردن آنان استفاده کردیم در برابر چنین موضع گیری کلیسای کاتولیک، اصلاح طلبان بجای اصلاح و انتقاد، بر علیه ایمان موضع گیری کردند. بعنوان مثال آنان به انکار بعضی از رازهای هفتگانه و همچنین قدرت اسقفها واصول دیگر پرداختند. گوش ندادن ازطرف ما به حرفهای منطقی اصلاح طلبان وعکس العمل ایشان در مقابل خصومتهای ما، موجب شد که چهارصد سال طول کشد تا سفرخود را بسوی اتّحاد و هماهنگی دوباره، آغاز کنیم. دراین سفر ما باید نسبت به عیسی امین باشیم و ما نباید ایمان خود رادرهیچ موقعیتی به مخاطره بیندازیم. جدائی هائی که از مسائل حیاتی ایمان بوجود می آید موجب تاسف است و ما نباید به آسانی تن به اختلافات دهیم. این درواقع شهادت ناچیزی در مقابل دنیای آگاه و خرده گیر خواهد بود که در آن میلیونها نفر بدنبال پاسخهای معنوی در

برابر مشکلات روزافزون کنونی هستند. تا زمانی که پاسخهای کنونی ما به دنیای پژوهشگر و مبارز متضاد باشد، حق استراحت نداریم. اگر ما بخواهیم به مسیح وفادار باشیم باید با تمام قوا سعی کرده و دعا کنیم تا به اتّحاد کاملتری در بین خود دست یابیم.

گرایش به اتّحاد

مسیحیان واقعی همیشه از رسوائی انفصال آگاه بوده اند. آنها متوجه هستند که تا چه حد اعلام بشارت بوسیلهٔ جدائی های موجود ما محدود شده است. آنها می دانند که این جدائیها با خواستهٔ مسیح مغایرت دارد، زیرا او در آخرین شام برای یکی شدن پیروانش دعا کرد.

آن جلالی را که تو به من داده ای به آنان داده ام تا آنها یکی باشند آنچنان که ما یکی هستیم، من در آنان و تودر من ـ تا آنها بطور کامل یکی باشند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و آنها را مثل خود من دوست داری. (یوحنا ۱۷:۲۲-۲۳)

ولی آنها سالها راه اشتباهی را برای پایان دادن به این رسوائی ها پیمودند.

آنان سعی می کردند که با مباحثه و جدل و گاهی حتی با زور به این رسوائی ها خاتمه دهند. اما رفته رفته آنان پی بردند که با جدل و مبارزه بندرت ممکن است موفق شوند و دریافتند که نمی توانند با تحت فشار گذاشتن اشخاص، چه با کلمات و چه با زور آنان را مجبور به قبول پیام مسیح نمایند. آنان درک نمودند که نه تنها عیسی برای اتّحاد و هماهنگی پیروانش دعا کرد بلکه امر فرمود که باید یکدیگر را دوست داشته باشندهمانگونه که او آنها را دوست داشت.

«*حکم من این است که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشتم.*» (یوحنا۱۵:۱۲)

پطرس و اندریاس یکدیگر را در آغوش می گیرند

آنتاگوراس اول پطریارخ کلیسای ارتدوکس در پنجم ژانویه ۱۹۶۵ پاپ پل ششم را در اورشلیم ملاقات کرد و او را بوسید و بعد به همین مناسبت این شمایل از طرف آنتاگوراس به پاپ پل ششم اهدا گردید.

گرایش جهانی مسیحیان بسوی اتّحاد

جنبش قاطبهٔ مسیحیان جهان، در اوایل این قرن دیده شده است. این

جنبش با پدیدآمدن شورای جهانی کلیساها (آمستردام ۱۹۴۸) به مرحلهٔ مهمی از تکامل رسید. در این شورا بیش از دویست کلیسای غیر کاتولیک گرد هم آمدند تا در بوجود آوردن اتّحاد و یگانگی همدیگر را یاری دهند. آنان در این شورا یکدیگر را ملاقات می کنند، همدیگر را بهتر می شناسند به نکات مشترک پی می برند و با یکدیگر دربارهٔ اختلافات گفتگو میکنند. آنان همچنین به منظور شراکت در کارهای خیریهٔ بین المللی و بررسی حل مشکلات دنیا متّحد می شوند.

هدف این نهضت جامهٔ عمل پوشاندن به خواسته های عیسی، یعنی متّحد کردن پیروان اوست. هم کاتولیکها و هم شورای جهانی کلیساها، این اتّحاد را شامل ایمان و عبادت مشترکی می پندارند. پس این اتّحاد بیشتر از یک اشتراک مساعی کلیساهاست که درصدد از بین بردن اختلافات و ایجاد همکاری با یکدیگر است و نباید دین ائتلافی بوجودآوریم، زیرا چنین راه حلی صرفاً از تخیلات انسان بوجودمی آید نه بر اساس ایمانی که عیسی مسیح در ما بوجود آورد. بنابراین، این چنین مسیحیتی بسیار سطحی خواهد بود و با پیام حیرت انگیز انجیل سر و کار ناچیزی خواهد داشت.

در دومین شورای مجمع واتیکان (۱۹۶۵-۱۹۶۲) تمام اسقفان کاتولیک دنیا یکدیگر را در روم ملاقات کرده و بازسازی در کلیسا را

مورد مطالعه قرار دادند. این شورا به ما فهماند که نقطه نظر کاتولیک دربارهٔ اتّحاد مسیحیان چه باید باشد. پاپ یوحنای بیست و سوم در آغاز این شورا گفت که یکی از دلایل اصلی او برای تشکیل شورا، پیشبرد اتّحاد بود. او از کلیساهای مسیحی دیگر نماینده دعوت کرد و اکثریت قبول نمودند. آنها علاقهٔ زیادی نسبت به این کار نشان دادند و موقعیت های متعددی برای ابراز عقیدهٔ خود دربارهٔ موضوع مورد بحث به آنها داده شد.

یکی از مهمترین اعلامیه هائی که از «دومین شورای واتیکان» حاصل شد، عبارت است از: «اعلامیهٔ گرایش جهانی مسیحیان بسوی اتّحاد». این مطلب نظر کاتولیکها را دربارهٔ اتّحاد به ما نشان داده و ما را تشویق میکند که برای اتّحاد دعا و فعالیت کنیم.

در این اعلامیه پی می بریم که کلیسای کاتولیک خود را بعنوان کلیسای واقعی عیسی مسیح معرفی کرد و در ضمن وجود کلیساهای دیگر را منکر نشد و قبول کرد که گروههائی که بوسیله روح قدوس خدا با هم پایدار مانده اند، راههای مؤثری در تقویت ایمان هستند. اما این حکم نشان می دهد که همهٔ این کلیساها بخاطر جدائی از درخت اصلی تاریخی که کلیسای کاتولیک می باشد چیزی را از دست داده اند. در نپذیرفتن ترکیب قابل رویت کلیسا، آنها اصلی را که توسط عیسی مسیح بنیان شده

بود، منکر شدند.. بنابراین اگر ما مفهوم لغوی لغات را در نظر بگیریم باید کاتولیک روم باشیم تا متعلق به کلیسای واقعی مسیح گردیم. اتّحادی که مسیح برای آن در شام آخر دعا کرد در کلیسای کاتولیک وجود دارد. البته این اتّحاد کامل نیست و در کلیسا می توان آنرا کامل تر کرد و بالاتر از همه می توان با اکثر مسیحیان شریک شد. لیکن این اتّحاد در محبّت و ایمان نمی تواند هرگز در کلیسا نابود گردد.

کانون قابل رویت این اتّحاد پاپ، جانشین حضرت پطرس است، پطرسی که توسط مسیح بعنوان سرپرست کلیسای خود بر روی زمین انتخاب گردید. اسقفان نیز جانشینان حواریون دیگر مسیح می باشند که پاپ در رأس آنها قرار دارد و عیسی بشارت انجیل و ارائه دادن رازهای هفتگانه و حکمرانی کلیسای خود را به آنها واگذار کرده است. در کلیسای کاتولیک ما بطور وضوح می بینیم که اتّحاد در یک ایمان و در یک عبادت می باشد. در کلیساهای دیگر ما می توانیم بعضی و یا حتی خیلی از الهامات الهی را پیدا کنیم، اما فقط در کلیسای کاتولیک است که ما می توانیم تمام حقیقتی که خداوند به ما ارزانی داشته و تمام منابع نعمتها را بیابیم.

بوسیلهٔ تعمید، تمام مسیحیان عضو کلیسا بشمار می‌آیند، لیکن تنها آنهائی که تمام تعلیمات کلیسا را قبول کرده عضو کامل آن بحساب

می‌آیند. با وجود این همهٔ مسیحیان تعمید یافته عضو هستند و آنها از بسیاری از هدایائی که مسیح برای ما آماده کرده و به کلیسای خود تسلیم نموده است، برخوردار می باشند. مسیح از کلیساهای دیگر برای نجات بشر استفاده کرده است و در اثر فعالیت و خداپرستی این کلیساها، مردم از نعمت و یاری خداوند برخوردار می گردند. اما ما هیچگاه نباید از تعدد نوع کلیساها خشنود باشیم. ما باید برای برطرف کردن موانعی که ما را جدا از هم نگه می‌دارد فعالیت کنیم.

ما در کتاب مقدس سرچشمهٔ اتّحاد را پیدا می کنیم. ادیان کاتولیک و غیر کاتولیک سعی بر آن دارند که ترجمه هائی از کتاب مقدس که مورد قبول همهٔ مسیحیان باشد از زبانهای اصلی آماده سازند. این چنین کتابی قادر است هم زندگی مسیحی ما را پرورش و نیرومند سازد و هم دعای ما را بخاطر اتّحاد استحکام بخشد. همچنین امیدواریم که حتی غیرمسیحیان نیز در کتاب مقدس بتوانند سرچشمهٔ ایمان و حکمت را پیدا کنند.

بازگشت بسوی خداوند

هر گناهی ما را از عیسی مسیح و از یکدیگر جدا می سازد. این مطلب بخصوص دربارهٔ گناهانی که بر علیه محبّت و دستور بزرگ مسیح که

می‌گوید: «یکدیگر را دوست داشته باشید.» صدق می‌کند.

«بازگشت» به معنی روی گرداندن از گناه و رفتن بطرف مسیح می‌باشد و ما همه نیازمندیم که این کار را بطور منظم انجام دهیم. نامهربانی‌ها و تعصب و غیبت در مورد افرادی که با آنها سر و کار داریم و تفکراتشان با ما فرق دارد، بسیار آسان است. لیکن هدف ما همیشه باید بردباری و تفهیم باشد و از این روی ما هرگز نباید حتی در فکر خود، دیگران را به سؤ نیت یا فقدان محبّت متهم سازیم. ما باید با چشم محبّت به آنان بنگریم و در آنها خوبی‌ها را ببینیم وآنها را با مسیح دوست داشته باشیم. شرط اینگونه محبّت، این است که: هر مسیحی باید هدفش «بازگشت» حقیقی قلب او بسوی مسیح باشد. ما باید از خداوند بخواهیم که ما را با محبّت خود لبریز سازد تا شاید ما نیز نور آنرا بدیگران بتابانیم.

اگر «بازگشت» در زندگی شخصی ما لازم است، در جماعتهای گوناگون مسیحی نیاز به این امر بیشتر احساس می‌شود. هر کلیسا باید سعی کند تا خود را در روشنائی انجیل بازسازی کند و آنچه را بنظر می‌رسد مسیح خواهان آن نیست، بدور اندازد. هر کلیسا مؤظف است در رابطه‌اش باکلیساهای دیگر بردباری را پیشهٔ خود سازد و سعی کند که کلیساهای دیگر را درک کرده و آماده باشد که از آن یاد بگیرد.

این عمل اصلاح پذیری امری است دائمی. شورای دوم واتیکان با تصمیمی راسخ برای بازسازی کلیسای کاتولیک دعوت شده بود. کلیساهای دیگر نیز سعی دارند که خود را بازسازی نمایند و این اصلاح متقابل هم اکنون ما را بیشتربه هم نزدیک کرده است. اصلاح پذیری نشانه‌ای از ارادتمندی و از بین بردن بدگمانی است.سرانجام ما اعتماد به یکدیگررا یاد می‌گیریم و به کارکرد خداوند درهرجماعتی پی می بریم. آنچه که منظور نظر ماست تنها بازگشت بسوی یکدیگر نیست، بلکه بازگشت بسوی خداوند در عیسی است. این است بازگشت حقیقی که خداوند آنرا از ما می‌خواهد. اگر همه بسوی خدمت صادقانه‌تری نسبت به خداوند تمایل داشته باشیم، درمی یابیم که رشد ما طبیعتاً ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند، زیرا فقط یک خدا و یک عیسی وجود دارد. هنگامی که ما به خدا نزدیک‌تر هستیم او توفیق اتّحاد ما را به طریق خویش فراهم می‌کند.

مباحثه دربارهٔ اختلافات

در تمام جهان گفتگو صورت گرفته است و سعی شده که همهٔ پیروان مسیح به یکدیگر نزدیک‌تر گردند. این گفتگوها برای این نیست که

ببینیم طرفین از چه حقایقی می توانند برای اتّحاد آسانتری چشم پوشی کنند. اگر این چنین باشد این نوعی معامله بر سر اعتقادات خواهد بود و اینگونه تجزیه و تحلیل عاری از حقیقت می باشد. ما هرگز نمی توانیم حقیقت خدا را آنطور که بدست آورده ایم و یا آنطور که از آن برداشت کرده ایم، در دل خود ریشه کن سازیم. با وجود این ما می توانیم راه بهتری برای توجیه آن بیابیم و یا آنرا در زندگی خود بنحو بهتری پیاده کنیم. بنابراین، این صحبت ها سعی و کوششی برای یادگیری از یکدیگر و درک کردن یکدیگر است. با تماس و بحث برداشت ما از حقیقت وسیع تر خواهد بود، بعضی اوقات ما به این حقیقت پی می بریم که آنچه که ما را از یکدیگر جدا می کرد نحوهٔ بیان اعتقادات ما بود نه اختلافات دربارهٔ اساس اعتقادات و یا بعبارت دیگر یگانه حقیقت را همگی ابراز می کردیم لیکن طرز بیان این حقیقت متفاوت بود.

کاتولیکها آگاهند که دیگران می توانند بیشتر از ما بینش ارزشمندی در بعضی از تعلیمات مسیح داشته باشند. ما آماده ایم که از آنها یاد بگیریم چنانکه ما امیدواریم آنها نیز از ما یاد بگیرند. طبق مدارک شورای واتیکان دوم، بسیاری از متخصصین الهیات و دانشمندان غیرکاتولیک در تفکرات کاتولیک اثر گذاشته اند. اشتیاق داشتن به درک یکدیگر ما را متّحدتر می سازد و از این روی رفته رفته پی می بریم

آنچه که باعث جدائی می گردد در برابر آنچه که ما را متّحد می سازد بسیار ناچیز است. اما اختلافات اساسی هنوز پابرجاست که برای رفع آنها دعا کنیم. ما از خدا می خواهیم که به ما روشنائی و شجاعت ببخشد تا بتوانیم اختلافات را حل کنیم. ما می دانیم که کلیسای کاتولیک می تواند در دانش خود و درک حقیقت رشد کند و اتّحادی را که دارا می باشد بیشتر و کامل تر گرداند که البته این امر بدون کمک کلیساهای دیگر امکان پذیر نیست.

ما نمی دانیم که خداوند قبل از اینکه هدیهٔ اتّحاد را به ما عطا کند از ما چه خواهد خواست. وظیفه ما ادای دین خود بوسیلهٔ دعا و کوشش برای درک دیگران است. اگر ما بعد از کوشش واقعی نتوانیم بر سر اصول توافق کنیم پس باید اختلافات اساسی خود را حفظ کنیم. اما این اختلافات نباید غرورآفرین باشند، بلکه باید محرک دعا برای روشنائی بیشتر گردند. این نواقص ظاهری موقعی ناپدید خواهند شد که بگذاریم روشنائی حقیقت خدا برآنها بتابد. در غیر این صورت ما چگونه می توانستیم در گرایش بسوی یکدیگر این چنین پیشرفته باشیم. ما از خداوند بخاطر پیشرفتی که کرده ایم، سپاسگزاریم.

دعا و فعالیت

همهٔ مسیحیان باید بخاطر حرمت و حقوق بشر و برای صلح جهان و عدالت اجتماعی «طبق اصول انجیل»، با یکدیگر کار کنند. ما می توانیم بخاطر کمک به ملل جهان سوم، با صمیمیت جهت کاربرد اکتشافات علمی از دیدگاه مسیحیان سعی و کوشش نمائیم. در اینگونه واکنش اجتماعی، مسیحیان در محبّت متقابل رشد می کنند، زیرا خدمت مشترکی را برای همه ملل عرضه می کنند. در عرصهٔ فعالیت است که مسیحیان می توانند در جهان اتّحادی بر اساس محبّت به یکدیگر نمایان سازند، زیرا اینان منعکس کنندهٔ محبّت خود نسبت به مسیح و محبّت مسیح نسبت به دیگران هستند.

از همهٔ مسیحیان درخواست شده که برای اتّحاد دعا کنند و برای این امر به هم بپیوندند. این بزرگترین روندی است که باید برای دوست داشتن یکدیگر یاد بگیریم. ما باید آنها را از خداوند درخواست کنیم و برای دریافتشان خود را آماده سازیم.

در هفته ای که دعا برای اتّحاد مسیحیان برگزار می شود، برای مسیحیان کلیساهای مختلف عادت شده که، همه با هم گرد هم می آیند و دسته جمعی دعا می خوانند و آئین مذهبی مشترکی را اجرا می کنند.

بهرحال ما فکر می کنیم در این مرحله پیشرفت بسوی اتّحاد شراکت کامل و همیشگی در خدمات مذهبی یکدیگر صادقانه نباشد و ممکن است این تفکر را ایجاد کند که اختلافات فقط موضوع سلیقه بوده است. اجرای دستورات مسیح درباره محبّت بدون صداقت و راستگوئی فاقد ارزش واقعی است. اما مشکل دیگری نیز وجود دارد وآن اینست که با مشارکت ناقص بیم آن می رود که مردم را افسرده ساخته و آنها تصور کنند که فقط در موضوعهای فاقد ارزش شریک هستیم.

بهمین دلیل ما در اجرای عشأ ربانی بیشتر مسیحیان نمی توانیم شریک باشیم وهمچنین ما نمی توانیم در کلیسای خود ازآنها برای شرکت در عشأ ربانی مقدس دعوت کنیم.

مسیحیانی که عشأربانی را با هم می گیرند با انجام این عمل نشان می دهند که آنها در اعتقاد و عبادت متّحد هستند. عشأربانی مقدس سرچشمه و مظهر اتّحادی است که بوجود آمده است و پیوندی است که مسیحیان را در محبّت به هم وابسته تر می کند و نشان می دهد که آنها در یک خانوادهٔ مسیحی با هم متّحد هستند. متاسفانه امروزه چنین اظهارنامه ای در مورد همهٔ مسیحیان حقیقت ندارد. در بعضی موارد ما حتی در معنای عشأ ربانی برداشت یکسانی نداریم. ما مشتاقانه منتظر شراکت با همهٔ برادران مسیحی خود در عشأً ربانی هستیم، زیرا این

بزرگترین نشانهٔ اتّحاد کامل است. اگر امروز ما نمی توانیم با هم در عشأ ربانی شرکت کنیم: این محدودیت انگیزه ایست که ما را به کار و پیشرفت در راه اتّحاد چه از نظر ایمان و چه از نظر محبّت وادار می کند.

شهادت هر فرد

تا زمانی که در میان مسیحیان اتّحاد کامل ایجاد نشده است هر مسیحی باید شهادت دادن به مسیح را به طریقی که برای او در عصر و محیط خود روشن باشد، ادامه دهد. ما کاتولیکها اعتقاد داریم که باید این عمل را در اتّحاد با کلیسا، یعنی قوم خداوند، که توسط مسیح نجات یافته اند و در خداپرستی متّحد شده اند و نیز فرمانبردار پطرس و رسولان و جانشینان آنان می باشند، به انجام رسانیم. ما ایمان داریم که نیت خداوند نامزد کردن یک کلیسا بود. با وجود اینکه معتقدیم ملیت و آداب و رسوم انسانی در کلیسا اثرات گوناگونی می گذارد، لیکن باید این کلیسا بصورت واحد در ایمان باقی بماند در غیر اینصورت مانند خانه ایست که برعلیه خود تقسیم شده است.

بنابر چنین اعتقادی باید مؤعظهٔ انجیل را همچنانکه خود می فهمیم برای استفادهٔ همهٔ آنانی که مایل به گوش فرادادن هستند، ادامه دهیم. ما

بر وجدانی که مانند ما قضاوت نمی کند فشار نمی آوریم، لیکن نمی توانیم آنچه را که ما حقیقت خدا می پنداریم از آنهائی که در جستجویش هستند، دور نگه داریم. این موضعگیری بدین معناست که با وجود ادامه فعالیت خود در راه ایجاد اتّحاد مسیحیان، همچنین سعی بر پذیرفتن اعضای جدیدی در کلیسای خود داریم، زیرا طرد کردن آنها از اجتماع خود، محبّت نیست و ما در پیشگاه خداوند برای انجام چنین کاری نمی توانیم خود را معذور داریم.

باید بیاد داشته باشیم که مشکل اتّحاد مسیحیان در برابر گرسنگی معنوی میلیونها نفر که هرگز شانس واقعی برای دریافت پیام عیسی را مسیح نداشته اند، بسیار ناچیز است. ما نمی توانیم کنار بایستیم و تا زمانی که بر اتّحاد کامل مسیحیان دست نیافته ایم پیام انجیل را از این مردم دریغ کنیم و نیز نمی توانیم نوعی مسیحیت سطحی را به دیگران اعلام کنیم تا مبادا باعث رنجش کسی گردد، یعنی نمی توان خلاصه ائی از تعالیمی که همه به آن واقف هستند و لیکن فاقد واقعیت اصیل کلیساست اعلام کرد. ما فقط می توانیم پیام مسیح را چنانکه خود به آن دست یافته ایم به آنها بازگو نمائیم، یعنی ایمان کلیسای کاتولیک روم. شاید ما همیشه مطالب را به بهترین طریق اظهار نمی کنیم و احتیاج داریم که از دیگران یادبگیریم لیکن می دانیم به هنگام یادگیری، مسیح همیشه با ماست و از

درآمیختن تعالیم غلط به تعالیم کلیسا، ما را برحذر می‌دارد.

ارادت و محبّت

ما نمی‌دانیم که آینده برای ما چه در بر دارد. اگر ما همه برای اتّحاد مسیحیان حاضر به فعالیت و دعا و رنج بردن باشیم، ممکن است بزودی بوجود آید و یا بدلیلی که ما از آن بی‌اطلاع هستیم، ممکن است بعنوان دورنمای مطلوبی باقی بماند. حتی ممکن است قبل از دسترسی به آخرین پیروزی، مسیحیان بصورت اقلیتهای پراکنده بوجود آیند.

آینده در دستهای خداوند است. در آینده هر چه که پیش آید خداوند از قومش مواظبت خواهد کرد. تا زمانی که چرخش زمان در جریان است، کلیسا اعلام پیام مسیح را به بشر ادامه خواهد داد. او قول داده است که در تمام ایام با ما خواهد بود، حتی تا زمانی که چرخش زمان از حرکت بازایستد. خداوند همچنین از همهٔ افراد نیک سرشت تا زمانی که می‌کوشند عطایای او را پیاده کنند، مواظبت خواهد کرد. وظیفه و برتری ما مسیحیان این است که سخاوتمندانه برای آمدن ملکوت خداوند فعالیت کنیم. موفقیت ما برای خداوند واجب نیست، لیکن حسن نیت لازم است تا ما را آماده شرکت در جلال خود سازد.

مسیح در آخرین شام خود چنین دعا کرد:

«من فقط برای اینان نیایش نمی‌کنم، بلکه همچنین برای کسانی که با گفتارشان به من ایمان دارند. تا سرانجام همگی، یکی گردند همچنان که تو، پدر، تو در من هستی و من در تو باشد که آنان نیز در ما آیند تا جهان ایمان آرد که تو کرا بفرستاده‌ای. من شکوهی که مرا بخشیده‌ای، بدانان بخشیده‌ام تا آنان یکی گردند. همچنان که ما یکی هستیم. من در آنان و تو در من، باشد که آنان در یگانگی به کمال گرایند تا جهان بداند که تومرا بفرستاده‌ای و آنان را محبّت نموده‌ای همچنان که مرا محبّت نموده‌ای.

پدر با آنچه مرا داده‌ای، خواهان آنم آنجا که من هستم، اینان نیز با من باشند تا شکوه را، شکوه مرا که تو بمن بخشیده‌ای ببینند زیرا تو پیش از پی افکنی جهان به من محبّت داشته‌ای. ای پدر دادگر، جهان تو را نشناخته است اما من ترا شناخته‌ام و اینان بدانسته‌اند که تو مرا بفرستاده‌ای. نام ترا به آنان شناسانده‌ام و به آنان خواهم شناساند که با چه محبّتی بمن محبّت داشته‌ای که در آنها بماند و من در آنها.»

(یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۶)

چند واقعهٔ کلیدی درمورد تاریخچهٔ دعا برای اتّحاد و هفتهٔ دعا

۱۷۴۰ اسکاتلند

در اسکاتلند به نهضتی پنطیکاستی برخورد می کنیم که در ارتباط با نهضتهای آمریکای شمالی بوده و پیامشان طرفداری از احیاء مذهبی است. این پیام شامل دعاهائی برای تمام کلیساها و دعا همراه با آنها می باشد.

۱۸۲۰ جیمزهالدین استوارت

کشیش جیمزهالدین استوارت «پیشنهاداتی برای اتحا جامع مسیحیان به منظور نفوذ روح القدس» رامنتشر می کند.

۱۸۴۰ ایگناتیوس اسپنسر

یک کشیش جدیدالایمان کلیسای کاتولیک روم پیشنهادی دارد بانام «وحدت دعا برای اتّحاد».

۱۸۶۷ لامبت

اولین کنفرانس لامبت اسقفان کلیسای انگلیکان ، درمقدمه قطعنامه اش برروی دعا برای اتّحاد تأکید می کند.

۱۸۹۴ پاپ لئو ۱۳

پاپ لئوی سیزدهم دعای هشت روزه برای اتحاد در زمینهٔ عید پنطیکاست راتشویق می کند.

۱۹۰۸ پل واتسون

کشیش پل واتسون برای انجام دعای هشت روزه برای اتحاد کلیسا پیشقدم شده و این هفته دعا را برگزار می کند.

۱۹۲۶ ایمان ونظم

نهضت ایمان ونظم در شورای جهانی کلیساها (ژنو) انتشار «پیشنهاداتی دربارهٔ یک دعای هشت روزه برای اتحاد مسیحیان »را شروع می کند.

۱۹۳۵ پل کوتوریر

کشیش پل کوتوریر فرانسوی پیشنهاد می کند که «هفته جهانی دعابرای اتّحاد مسیحیان» تنها بر این اساس بنا شود که برای آن اتّحادی دعا کنیم که مسیح می خواهد و با راههائی که او خواستار آن است.

۱۹۵۸ اتّحاد مسیحی

«اتّحاد مسیحی» (لیون، فرانسه) با همکاری «کمیسیون ایمان و نظم» شورای جهانی کلیساها موضوع خاص هفتهٔ دعا را تهیه می کنند.

۱۹۶۴ نظامنامه اصولی درباره جنبش جهانی کلیساها

در شورای «واتیکان دوم» با شرکت تمام اسقفان کلیسای کاتولیک، نظامنامهٔ اصولی دربارهٔ جنبش جهانی کلیساها برای اتّحاد مسیحیان اعلام می شود که در آن، دعا بعنوان اساس این جنبش بیان گردیده و تمام مسیحیان را دعوت می کند که در هفته خاص دعا برای اتّحاد شرکت کنند.

۱۹۶۶ شورای جهانی کلیساها و کلیسای کاتولیك

«کمیسیون ایمان ونظم» وابسته به شورای جهانی کلیساها و کلیسای کاتولیک (انجمن اعلا)، جهت پیشرفت اتّحاد مسیحیان تصمیم می گیرند که هر سال با هم متنی را برای هفتهٔ خاص دعا تهیه کنند.

۱۹۶۸ شورای جهانی کلیساها و کلیسای کاتولیك

برای اولین بار «هفتهٔ خاص دعا» با متونی که شورای جهانی کلیساها و «انجمن اعلا»ی کلیسای کاتولیک تهیه کرده اند، برگزار می شود.

موضوعات هفته دعا برای اتّحاد مسیحیان

موضوعات «هفته خاص دعا» برای اتّحاد مسیحیان که توسط «کمیسیون ایمان و نظم» شورای جهانی کلیساها و «انجمن اعلا»ی کلیسای کاتولیک تهیه شده است [۱۹۶۸-۱۹۹۳].

۱۹۶۸ «*تا جلال او ستوده شود*» (افسسیان۱:۱۴)

۱۹۶۹ «*به آزادی فراخوانده شده*» (غلاطیان۵:۱۳)

۱۹۷۰ «با *خدا همکاران* هستیم» (اول قرنتیان۳:۹)

۱۹۷۱ «.و شرکت *روح‌القدس*» (دوم قرنتیان۱۳:۱۳)

۱۹۷۲ «بشما حکمی *تازه* می‌دهم» (یوحنا۱۳:۳۴)

۱۹۷۳ «*خداوندا دعا کردن را بما تعلیم نما*» (لوقا۱۱:۱)

۱۹۷۴ «و هر زبانی *اقرار کند* که عیسی مسیح، *خداوند است*» (فیلیپیان۲:۱-۱۳)

۱۹۷۵ «*ارادهٔ خدا:* همه چیز در مسیح» (افسسیان۱/۳-۱۰)

۱۹۷۶ «*مانند او خواهیم بود*» یا «*فراخوانده شده به آنچه هستیم*»
(اول یوحنا۳:۲)

۱۹۷۷ «*صبر در امید*» (رومیان۵:۱-۵)

۱۹۷۸ «*از این به بعد غریب و اجنبی نیستید*» (افسسیان۲:۱۳-۲۲)

۱۹۷۹ «*یکدیگر را برای جلال خدا خدمت کنید*»
(اول پطرس۴:۷-۱۱)

۱۹۸۰ «ملکوت تو بیاید» (متی۶:۱۰)

۱۹۸۱ «*یک روح - نعمتهای بسیار - یک بدن*»
(اول قرنتیان۱۲:۳ب-۱۳)

۱۹۸۲ «*خداوندا تا همه در تو ساکن شوند*» (مزمور۸۴)

۱۹۸۳ «عیسی مسیح - *حیات جهان*» (اول یوحنا۱:۱-۴)

۱۹۸۴ «*بوساطت صلیب خداوند ما خوانده شده ایم تا یکی باشیم*»
(اول قرنتیان۲:۲ و کولسیان۱:۲۰)

۱۹۸۵ «*از مرگ به زندگی به همراه مسیح*» (افسسیان۲:۴-۷)

۱۹۸۶ «*شاهدان من خواهید بود*» (اعمال۱:۶-۸)

۱۹۸۷ «*اتّحاد درمسیح - خلقت جدید*» (دوم قرنتیان۵:۱۷-۶:۱۴)

۱۹۸۸ «محبّت *خدا خوف را بیرون می اندازد*» (اول یوحنا۴:۱۸)

۱۹۸۹ «*یک بدن در مسیح*» (رومیان۱۲:۵-۶)

۱۹۹۰ «*تا همه یک گردند ... تا جهان ایمان آرد*» (یوحنا۱۷)

۱۹۹۱ «*ای جمیع امتها خداوند را تسبیح بخوانید*»
(مزمور۱۱۷ و رومیان۱۵:۵-۱۳)

۱۹۹۲ «*من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم ... پس بروید*»
(متی۲۸:۱۶-۲۰)

۱۹۹۳ «*آوردن ثمر روح القدس برای اتّحاد مسیحیان*»
(غلاطیان۵:۲۲-۲۳)

۱۹۹۴ خانهٔ خدا: به داشتن «*یک دل و یک جان*» دعوت شده اند
(اعمال رسولان ۴:۳۲)